



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## تأثیر رویکرد یادگیری مسئله محور بر تعاملات اجتماعی یادگیرندگان

مهرنوش عباسی فرد<sup>۱</sup>، مرجان احمدی<sup>۲</sup>

۱-کاردانی کامپیوتر دانشگاه آزاد واحد سمنان

۲-کارشناسی صنایع دستی دانشگاه هنر و معماری شیراز

*mrymbasy۲۳۴@gmail.com*

### چکیده

در دنیای امروز، آموزش و پرورش صرفاً انتقال دانش به یادگیرندگان نیست، بلکه باید به آنها مهارت‌های لازم برای زندگی در جامعه را نیز بیاموزد. یکی از مهارت‌های ضروری، توانایی برقراری تعاملات اجتماعی مثبت با دیگران است. رویکردهای یادگیری مسئله‌محور می‌توانند در پرورش این مهارت در یادگیرندگان نقش موثری داشته باشند. در یادگیری مسئله‌محور، یادگیرندگان با مسائل واقعی و چالش‌برانگیز روبرو می‌شوند و برای حل آنها باید با یکدیگر همکاری و تعامل داشته باشند. این امر به آنها فرصتی می‌دهد تا مهارت‌های مختلفی از جمله ارتباطات، حل مسئله، کار گروهی و تفکر انتقادی را تمرین کنند. تعاملات اجتماعی مثبت برای یادگیرندگان فواید زیادی دارد. این تعاملات به آنها کمک می‌کند تا احساس تعلق و عضویت در گروه را تجربه کنند. با توجه به اهمیت تعاملات اجتماعی، ضروری است که مدارس از رویکردهای آموزشی استفاده کنند که این تعاملات را در یادگیرندگان پرورش دهد. یادگیری مسئله‌محور یکی از این رویکردها است که می‌تواند در این زمینه بسیار موثر باشد. با وجود فواید متعدد یادگیری مسئله‌محور، هنوز هم در بسیاری از مدارس از روش‌های سنتی تدریس استفاده می‌شود. این امر باعث می‌شود که یادگیرندگان فرصت کافی برای تمرین تعاملات اجتماعی را نداشته باشند. در این پژوهش، به بررسی تأثیر رویکردهای یادگیری مسئله‌محور بر تعاملات اجتماعی یادگیرندگان پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری مسئله‌محور می‌تواند رویکردی موثر برای پرورش تعاملات اجتماعی در یادگیرندگان باشد.

**کلمات کلیدی:** یادگیری مسئله‌محور، تعاملات اجتماعی، یادگیرندگان، معلمان، مدارس.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم رویکرد یادگیری مسئله‌محور به عنوان یک رویکرد پویا در آموزش و پرورش گسترش یافته است. این رویکرد به منظور تربیت یادگیرندگان به عنوان فردی خودآگاه و کارآمد تر، از راهکارهایی استفاده می‌کند که بر مشارکت فعال یادگیرندگان در فرآیند یادگیری تأکید دارد. در این راستا، رویکرد یادگیری مسئله‌محور به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در زمینه آموزش به چشم می‌آید. با گسترش روش‌های سنتی تدریس و انتقال اطلاعات، نیاز به توجه به نیازها و توانمندی‌های فردی یادگیرندگان اغفال گشته و این امر منجر به کاهش جذابیت و پویایی در فرآیند یادگیری شده است. مسئله اصلی در اینجا به تدریس مسئله‌محور مرتبط می‌شود؛ چرا که این رویکرد نه تنها باعث فراهم‌آوری چالش‌ها و مسائل واقعی برای یادگیرندگان می‌شود بلکه ایشان را در فرآیند یادگیری فعال می‌کند. رویکرد یادگیری مسئله‌محور در ، علاوه بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله، به تربیت افرادی با توانمندی‌های اجتماعی بالا نیز منجر می‌شود. این رویکرد، فرصت مناسبی را برای تعامل اجتماعی یادگیرندگان فراهم می‌کند و در نهایت، به بهبود روابط اجتماعی و رشد فردی آنان کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).

تعلیم و تربیت دو فعالیت همپای هستند که در تمام عصور و جامعه‌ها به صورت‌های مختلف صورت گرفته‌اند. رویکرد یادگیری مسئله‌محور یا PBL<sup>۱</sup> یک روش آموزشی یادگیرنده محور است که در آن یادگیرندگان از طریق تجربه‌ی بدست آمده از همکاری با یکدیگر در حل مسائل واقعی به فراگیری علم می‌پردازند. این روش با روش آموزش سنتی که در آن معلم مفاهیم را به یادگیرندگان ارائه می‌دهد، کاملاً متفاوت است (پورتنقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰). در این روش، یادگیرندگان باید با استفاده از منابع علمی و تفکر انتقادی، راه‌حل‌های مناسب برای مسائل پیچیده و بد ساختار پیدا کنند. این روش به یادگیرندگان کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش در رشته خود، مهارت‌های ارتباطی، کار گروهی، خودآگاهی و خودآموزی را نیز تقویت کنند. در رویکرد یادگیری مسئله‌محور مسائل برای حل مسئله به یادگیرندگان ارائه می‌شود. در رویکرد کلاسیک معلم عامل اصلی در برنامه درسی است اما در رویکرد نوین یادگیرندگان در راس توجه قرار دارند. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که معلمان نتوانند بحث‌های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و یادگیرندگان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، یادگیرندگان وقتی نمی‌توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم‌گیری یا ایده‌های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می‌خورند. یادگیرندگان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در برنامه درسی مسئله محور که خود نیز امری حیاتی است شکست بخورند (سمیع زاده مشهدی، ۱۴۰۲).

رویکرد یادگیری مسئله‌محور یک روش آموزشی یادگیرنده‌محور است که هدف آن توسعه مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت‌های کار گروهی است. موقعیت‌های نامرتب، نامرتب و ساختار نامناسب در اختیار یادگیرندگان قرار می‌گیرد که در آن‌ها نقش مالک موقعیت را بر عهده می‌گیرند. یادگیرندگان مشکل را مشاهده می‌کنند و در مورد راه حل یاد می‌گیرند، در مقایسه با یادگیری مبتنی بر سخنرانی کلاسیک، رویکرد یادگیری مسئله‌محور دارای مزایای زیادی است. برخی از مزایای این است که یادگیری را برای دنیای واقعی مفید می‌کند، تشویق می‌کند و انگیزه می‌دهد که چگونه یاد بگیرند، یادگیرندگان را درگیر یادگیری مشابه دنیای واقعی می‌کند (Fogarty and Pete, ۲۰۰۷). رویکرد یادگیری مسئله‌محور نه تنها بر حل مسئله تمرکز دارد، بلکه مسئولیت توسعه سایر مهارت‌ها و ویژگی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ها را نیز بر عهده دارد. یادگیرندگان در کلاس درس که رویکرد حاکم بر آن مسئله محوری است مهارت های اجتماعی خود را بهبود می بخشند زیرا فرصت های بیشتری برای تمرین استفاده از زبان برای برقراری ارتباط معتبر دارند. اگر یادگیرندگان و معلمان در درک فعال یا معنادار مشکل داشته باشند، اجرای برنامه درسی مسئله محور در یک محیط کلاس درس کلاسیک دشوار است. برنامه درسی مسئله محور از یادگیرندگان می خواهد که در راهبردهای یادگیری فعال به عنوان یک گرایش یادگیری خودراهبر شرکت کنند. این نشان دهنده یک تغییر پارادایم از آموزش به روش کلاسیک و یادگیری فلسفه است. در این مقاله به بررسی سازوکار رویکرد یادگیری مسئله محور در نظام آموزش و پرورش پرداخته شده است (سمیع زاده مشهدی، ۱۴۰۲)

توجه به تفاوت های فردی یادگیرندگان یک عنصر مهم از برنامه درسی یادگیرنده محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس های امروزی ضروری است. تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر یادگیرنده، سفارشی کردن آموزش برای کمک به یادگیرندگان برای یادگیری" اشاره دارد (Fogarty and pete, ۲۰۰۷). رویکرد نوین آموزشی، یادگیرنده محور دارای حوزه گسترده ای است. که در تمام این حوزه ها یادگیرنده در مرکز توجه قرار دارد و مبتنی بر نیاز های یادگیرندگان است. رویکرد یادگیری مسئله محور یک روش آموزشی یادگیرنده محور است که هدف آن توسعه مهارت های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت های کار گروهی است. اجرای این نوع از رویکرد و برنامه درسی زمانی محقق خواهد شد که هم یادگیرندگان و هم معلمان باید از این نوع رویکرد اطلاع کافی داشته باشند. در کلاس های درس کلاسیک یا معلم محور اجرای روش تدریس مبتنی بر این روش دشوار است زیرا معلمان و یادگیرندگان از آن اطلاع کافی ندارند. در حالی که اگر از این نوع رویکرد استفاده کنند می توانند حتی به بسیاری از مسائل اجتماعی نیز پاسخ بدهند. مسائل زندگی واقعی طبیعتاً فرا رشته ای هستند، بنابراین رویکرد مسئله محور معمولاً برنامه درسی را به روش های طبیعی ادغام می کنند. یک سناریوی خوب برای حل مسئله باید از تحلیل های زمینه ای و یادگیرنده کافی سرچشمه بگیرد. در این رویکرد، یادگیرندگان تشویق می شوند تا دانش کسب شده و تفکر مرتبه بالاتر خود را برای حل مشکلات اجتماعی واقعی به کار گیرند علاوه بر این امر از جمله یادگیری هایی که در زمره رویکرد یادگیری مسئله محور و یادگیری یادگیرنده محور قرار دارد، یادگیری متمایز است. معلمان نقش متفاوتی در رویکرد یادگیری مسئله محور نسبت به تدریس کلاسیک دارند. معلمان با استفاده از مجموعه ای از احتمالات، می توانند از نقش برداری برنامه درسی برای تجسم هر موضوع و ترسیم ارتباطات درون یک مسئله استفاده کنند. تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف یادگیرندگان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی وجود دارد (Fogarty and pete, ۲۰۰۷).

این مقاله به بررسی نقش رویکرد یادگیری مسئله محور در تعاملات اجتماعی یادگیرندگان می پردازد. با تأکید بر اهمیت این رویکرد در تربیت افرادی با مهارت های تفکری و اجتماعی فراوان، مقاله نتایج کاربردی این رویکرد را در محیط های آموزشی مورد بررسی قرار داده و به سؤالاتی پاسخ می دهد که به بهبود فرآیند یادگیری و تعاملات اجتماعی یادگیرندگان می انجامد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## رویکرد یادگیری مسئله محور

رویکرد یادگیری مسئله محور فرآیندی است که برای شناسایی مشکلات با یک سناریو برای افزایش دانش و درک استفاده می شود.

برخی از اصول در زیر ذکر شده است.

(الف) یادگیری مستقل و خودراهبر

(ب) یادگیری در یک گروه اتفاق می افتد و معلم یک تسهیل کننده است.

(پ) همه گروه ها باید به طور مساوی شرکت کنند.

(ت) یادگیرندگان در مورد انگیزه، کار تیمی، حل مسئله و مشارکت با کار یاد می گیرند.

(ث) از مطالبی مانند داده ها، عکس ها، مقالات میتوان برای حل مشکل استفاده کرد. (Fogarty and pete, ۲۰۰۷).

مشکلات همیشه تفکر و یادگیری را بسیج و تحریک کرده اند، وقتی مشکلات به عنوان مرتبط و مهم تجربه می شوند به فعالیت ما انرژی می بخشند و توجه ما را متمرکز می کنند، مردم انگیزه می یابند که انرژی خود را به سمت حل آنها هدایت کنند. اگرچه یادگیری مبتنی بر مشکل از ابتدای زمان، در آموزش عالی ظاهر شده است. اکنون در قرن بیست و یکم معلمان سایر متخصصان در سراسر جهان از رویکرد یادگیری مسئله محور در رشته های مختلف استفاده می کنند. بسیاری از معلمان حتی در آموزش عالی اکنون در طراحی و استفاده از مسائل بسیار با تجربه هستند و با روش های رویکرد یادگیری مسئله محور که بخشی از آموزش عالی بوده اند، راحت هستند. رویکرد یادگیری مسئله محور را می توان در هر موقعیت یادگیری متحد کرد. مهارت های تفکر انتقادی، توانایی های حل مسئله و مهارت های ارتباطی نتیجه رویکرد یادگیری مسئله محور هستند. می تواند توانایی مهارت های مشارکتی، یافتن و ارزیابی برای یادگیری مادام العمر را افزایش دهد.

رویکرد یادگیری مسئله محور یک مدل درسی است که حول مسائل زندگی واقعی بدون ساختار و باز طراحی شده است (Lesch, ۲۰۰۷). به عنوان یک فرآیند تحقیق، سؤالات، کنجکاوی ها، تردیدها و عدم قطعیت های مربوط به پدیده های پیچیده زندگی واقعی را حل میکند (Barell, ۱۹۹۸). رویکرد یادگیری مسئله محور از مشکلات به عنوان نقطه شروع برای کسب دانش استفاده می کند. مشکل یادگیرندگان را به تحقیق سوق می دهد. معلمان یادگیرنده را از طریق پرسش، تحقیق و ایفای نقش تسهیل می کنند و در نتیجه تفکر یادگیرندگان را به چالش می کشند و سطوح عمیق تر درک را تسهیل می کنند. یادگیرندگان حل کننده و یادگیرنده فعال مشکل هستند و معلمان معلم هستند. یادگیرندگان یک مشکل واقعی را شناسایی می کنند و از طریق تحقیق فعال به راه حل قابل قبولی می رسند. آنها سوال را تفسیر می کنند، اطلاعات اضافی را جمع آوری می کنند، راه حل های ممکن را ایجاد میکنند، گزینه ها را برای یافتن بهترین ها ارزیابی می کنند و سپس آن راه حل ها را ارائه می دهند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نقش رویکرد یادگیری مسئله‌محور در تعاملات اجتماعی یادگیرندگان

رویکرد یادگیری مسئله‌محور، روشی فعال و مشارکتی است که یادگیرندگان را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دهد و به آن‌ها فرصت می‌دهد تا با چالش‌های واقعی روبه‌رو شده، برای حل آن‌ها به صورت گروهی تلاش کنند و در نهایت، به راه‌حل‌های خلاقانه دست پیدا کنند. این روش، مزایای متعددی برای تعاملات اجتماعی یادگیرندگان به ارمغان می‌آورد، از جمله:

۱. افزایش اعتماد به نفس و خودباوری:

یادگیرندگان با حل مسائل واقعی، به توانایی‌های خود ایمان پیدا می‌کنند و اعتماد به نفسشان افزایش می‌یابد. در این روش، یادگیرندگان به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند و نقش مهمی در حل مسائل دارند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا احساس ارزشمندی و کارآمدی کنند و به توانایی‌های خود برای حل مشکلات و چالش‌های پیش رو ایمان پیدا کنند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. تقویت مهارت‌های حل مسئله:

یادگیرندگان در چالش حل مسئله، مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری را یاد می‌گیرند. حل مسئله، یادگیرندگان را با چالش‌های واقعی روبه‌رو می‌کند و آن‌ها را به تفکر عمیق، جستجوی اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه تشویق می‌کند. این فرایند به ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری یادگیرندگان کمک می‌کند.

۳. پرورش مهارت‌های اجتماعی:

یادگیرندگان در تعامل با یکدیگر، مهارت‌های ارتباطی، همدلی، همکاری و کار گروهی را ارتقا می‌دهند. حل مسئله به صورت گروهی، یادگیرندگان را ملزم به همکاری با یکدیگر، تبادل نظر، همدلی و تقسیم وظایف می‌کند. این تعاملات، به ارتقای مهارت‌های اجتماعی یادگیرندگان، مانند برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال، همدلی، حل تعارض و کار گروهی کمک می‌کند.

۴. افزایش انگیزه و تعلق خاطر به مدرسه:

یادگیرندگان در فرایند حل مسئله، فعال و پویا هستند و از یادگیری لذت می‌برند. حل مسئله، فرایند یادگیری را جذاب و پویا می‌کند و به یادگیرندگان انگیزه می‌دهد تا در فرایند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند. این امر، به افزایش انگیزه و تعلق خاطر یادگیرندگان به مدرسه کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).

در اینجا چند نمونه از فعالیت‌های مبتنی بر مسئله که می‌توان در برای ارتقای تعاملات اجتماعی یادگیرندگان از آن‌ها استفاده کرد، آورده شده است:

- پروژه‌های گروهی: یادگیرندگان می‌توانند در گروه‌های کوچک با یکدیگر کار کنند تا یک پروژه را به پایان برسانند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های همکاری، حل تعارض و کار گروهی را یاد بگیرند.
- مطالعات موردی: یادگیرندگان می‌توانند یک موقعیت واقعی را بررسی کنند و راه‌حلی برای مشکلی که در آن موقعیت وجود دارد، ارائه دهند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و همدلی را یاد بگیرند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- بازی‌های حل مسئله: یادگیرندگان می‌توانند با بازی‌های حل مسئله، مهارت‌های حل مسئله و کار گروهی خود را به طور سرگرم‌کننده‌ای ارتقا دهند.

استفاده از رویکرد یادگیری مسئله‌محور در، فواید متعددی برای تعاملات اجتماعی یادگیرندگان دارد. این روش، به ارتقای اعتماد به نفس، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های اجتماعی، انگیزه و تعلق خاطر یادگیرندگان به مدرسه کمک می‌کند.

## یادگیری کلاسیک در مقابل رویکرد یادگیری مسئله‌محور

در رویکردهای کلاسیک یادگیری مبتنی بر روش کلاسیک، ابتدا داده‌ها به روش کلاسیک یادگیری ارائه می‌شود، اما در رویکرد یادگیری مسئله‌محور مسائل برای حل مسئله به یادگیرندگان ارائه می‌شود. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که معلمان نتوانند بحث‌های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و یادگیرندگان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، یادگیرندگان وقتی نمی‌توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم‌گیری یا ایده‌های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می‌خورند. یادگیرندگان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در رویکرد یادگیری مسئله‌محور حیاتی است شکست بخورند. در واقع در رویکرد کلاسیک معلم خود نیز مسئله را پیدا می‌کند و سپس به آن پاسخ می‌دهد. اما در رویکرد مسئله‌محور که خود جزئی از برنامه درسی یادگیرنده‌محور است، یادگیرنده خود نیز اقدام به پیدا کردن و کشف مسئله می‌کند و سپس یا به کمک معلم (اکتشافی هدایت شده، یعنی معلم سوال را می‌دهد و راهبرد و اصول را نمی‌گوید) یا معلم راهبرد را می‌گوید سوال را نمی‌گوید) و یا بدون راهنمایی معلم (اکتشافی هدایت نشده) اقدام به کشف مسئله و سپس مسئله‌گشایی می‌کند (پورتقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).

## نقش معلم در رویکرد یادگیری مسئله‌محور

معلمان نقش متفاوتی در رویکرد یادگیری مسئله‌محور در نسبت به تدریس کلاسیک دارند. اول، معلم مسئله را توسعه می‌دهد و آن را در برنامه درسی قرار می‌دهد. سپس فعالیت‌ها و منابع یادگیری متنوعی را برای کمک به یادگیرندگان فراهم می‌کند تا اطلاعات جدید را به دانش قبلی مرتبط کنند. متعاقباً، معلم یادگیرندگان را از طریق مشکل راهنمایی و راهنمایی می‌کند. کوچینگ شامل دادن نکات یا سرنخ‌ها، ارائه بازخورد، هدایت مجدد تلاش‌های یادگیرنده و کمک به یادگیرندگان برای انتخاب و به کارگیری استراتژی‌های مختلف است. علاوه بر این، در رویکرد یادگیری مسئله‌محور، معلم در اختیار و مسئولیت سهیم است با یادگیرندگان، تبدیل شدن به همکار یادگیرنده و محقق. در مرحله آخر، زمانی که یادگیرندگان در حال حل مشکل هستند، معلم عملکرد آنها را ارزیابی می‌کند. از این رو، معلمانی که مایل به استفاده از رویکرد یادگیری مسئله‌محور هستند، نقش طراح برنامه درسی، تسهیل‌کننده، راهنما و معلم، و ارزیاب را بر عهده می‌گیرند (Delisle, ۱۹۹۷).

همچنین معلم مسئول طراحی و شناسایی مشکلاتی است که باید پیچیده و مبهم باشد تا یادگیرندگان را تشویق به پرس و جو در مورد آن کند. آنها می‌توانند تحقیق را با راه حل‌ها و نتیجه‌گیری معقول انجام دهند. معلم باید مسئله را متناسب با درس، جدید و ناآشنا و مرتبط برای استفاده در محیط‌های کاری طراحی کند. معلم معلم، تسهیل‌کننده است و معلم با یادگیرندگان می‌تواند به صورت گروهی کار کند. معلم می‌تواند گروه‌های مختلفی را با مهارت‌های متفاوت برای دستیابی به تغییرات و نتایج بیشتر بسازد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نقش یادگیرندگان در رویکرد یادگیری مسئلهمحور

در طول رویکرد یادگیری مسئلهمحور یادگیرندگان نقش های مختلفی را برای حل مسئله ارائه شده بر عهده می گیرند. آنها نقش یادداشت بر یا عضو تیم را تغییر می دهند. یادگیرندگان مشکل را بررسی می کنند و برای فعالیت های خود برنامه ریزی می کنند تا مشکل را مدیریت کنند. از طریق این اکتشاف، یادگیرندگان می توانند دانش و مهارت های خود را نیز بررسی کنند که چگونه زمان را مدیریت کنند.

رویکرد یادگیری مسئلهمحور یک مدل آموزشی مبتنی بر پرسش است که در آن یادگیرندگان با مسائل دنیای واقعی درگیر هستند. در حالی که خود یادگیرندگان در حال یادگیری شکاف های دانش خود را شناسایی می کنند و می توانند تحقیقاتی را برای آینده طراحی کنند. بر اساس این روش های جدید، یادگیرندگان می توانند مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. از طریق کار گروهی یادگیرندگان می توانند حل مسئله، مهارت های فراشناختی و انگیزه را تقویت کنند.

### ۳. مبانی نظری رویکرد یادگیری مسئلهمحور

برخی از نکات کلیدی زیر برای یادگیرندگان رویکرد یادگیری مسئلهمحور وجود دارد:

۱. یادگیرندگان باید دانش، مفروضات و تجربیات پیش زمینه ای داشته باشند.
۲. یادگیری در زمینه مشارکتی در زمینه اجتماعی اتفاق می افتد.
۳. اطلاعات ناآشنا را می توان با استراتژی های اعمال شده، رسیدگی به مشکلات با راه حل های خوب طراحی شده مقابله کرد.
۴. مسائل یادگیرنده محور باید طراحی شوند.
۵. یادگیری خودراهبری می تواند اتفاق بیفتد.
۶. حل مسئله می تواند انگیزه یادگیری باشد.
۷. در طول فرایند یادگیری، بازتاب انتقادی اتفاق می افتد.

نکته مهم این رویکرد این است که یادگیرندگان مسئول یادگیری خود هستند، نحوه استفاده از دانش قبلی و نحوه کسب دانش را یاد می گیرند. رویکرد رویکرد یادگیری مسئلهمحور تمرکز بیشتری بر ارزیابی خود و همتایان، ارتباطات و مهارت های بین فردی دارد. مشاهده شده است که رویکرد یادگیری مسئلهمحور انگیزه یادگیری عمیق را ایجاد می کند، یادگیرندگان برای درک و جستجوی معنا یاد می گیرند، در حالی که رویکرد معلم وارد شده برای کمک به یادگیری سطحی با درک کمتر می شود. برخی از نظریه پردازان معتقدند که رویکرد یادگیری مسئلهمحور می تواند شیوه های جدید تفکر و یادگیری را بهبود بخشد.

این باعث افزایش رشد شخصی، فعال تر، افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری آنها می شود. در گروه های کوچک یادگیرندگان می توانند مشکل خود را به اشتراک بگذارند، بتوانند ایده های خود را به شیوه ای بهتر بیان کنند، دانش مفهومی خود را بهبود بخشند و موقعیت های مشکل را مدیریت کنند.

مدل تعلیم و تربیت رویکرد یادگیری مسئلهمحور

هنگامی که فرآیند رویکرد یادگیری مسئلهمحور در کلاس های درس اجرا می شود، شامل رویدادهای زیر می شود ( Torp and Sage ۱۹۹۸):



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- الف) با مشکل روبرو شوید: یادگیرندگان را برای حل مشکل ترغیب کنید.
- ب) شناسایی آنچه می دانیم، آنچه باید بدانیم، و ایده هایمان: یادگیرندگان را در ایجاد آگاهی از آنچه می دانند (دانش قبلی آنها از موقعیت)، آنچه که باید بدانند، و ایده هایشان در مورد موقعیت، حمایت کنید.
- ت) بیان مسئله را تعریف کنید: یادگیرندگان را در بیان مسئله یا مشکل اصلی در شرایطی که با آن مواجه شده اند، حمایت کنید.
- ث). جمع آوری و به اشتراک گذاری اطلاعات.
- ج) ایجاد راه حل های ممکن: به یادگیرندگان کمک کنید تا طیف کاملی از گزینه های ممکن را برای پرداختن به مشکلی که تعریف کرده اند بیان کنند.
- چ) تعیین بهترین راه حل: از یادگیرندگان بخواهید که فواید و پیامدهای هر راه حل را ارزیابی کنند.
- ح) راه حل را ارائه دهید.
- خ) خلاصه: از یادگیرندگان بخواهید با هم در مورد آنچه یاد گرفته اند فکر کنند.
- متخصصان مراحل مشابهی را برای هدایت رویکرد یادگیری مسئله محور برای یادگیرندگان (بازدید از مشکل، بررسی مجدد مشکل، تولید محصول یا عملکرد، و در نهایت ارزیابی عملکرد و مشکل) پیشنهاد می کنند. (Delisle, ۱۹۹۷). برای استفاده از رویکرد یادگیری مسئله محور در کلاس های ما، معلم می تواند برخی از مراحل اساسی را طراحی و اجرا کند که عبارتند از :
- الف) اول از همه، نتایج یادگیری را شناسایی کنید که می تواند با رویکرد یادگیری مسئله محور سازگار باشد. پس از آن، ارزیابی ها، بازتاب های یادگیری، ایجاد روبریک هایی که برای ارزیابی رویکرد یادگیری مسئله محور مهم هستند، می توانند توسط معلم ایجاد شوند.
- ب) طرح کلی یک مشکل واقعی را که از طریق طوفان فکری یادگیرندگان پدیدار می شود، تهیه کنید. مشکل باید واقعی و مرتبط با دوره باشد. بسیار مهم است که مسائل مناسبی را طراحی کنیم که آنها را به تفکر، بحث، تحقیق و یادگیری برانگیزد.
- پ) یادگیرندگان می توانند تحقیق خود را با یک مسئله "آسان" آغاز کنند و معلم می تواند انتظارات را معرفی کند. معلم می تواند جلساتی را در رابطه با مسئله ای که به آنها محول شده (دانش پیشینه) موضوعات تحقیق، یافتن داده ها و غیره ترتیب دهد. پس از آن یادگیرندگان می توانند نقش ها و مسئولیت های خود را برای درک کامل مسئله تعیین کنند.
- ت) یادگیرندگان می توانند منابع را برای توسعه تحقیقات، یافته ها، راه حل ها و یادگیری خود ارائه و ترکیب کنند.
- ث) معلم می تواند برای تعیین اینکه آیا یادگیرندگان به طور معناداری مشارکت داشته اند یا خیر، روبریک هایی ایجاد کند. این نوع تحقیق می تواند برای مطالعه آینده آنها نیز بسیار مفید باشد.

## محاسن و معایب برنامه درسی مسئله محور

برخی از منتقدان توانایی معلمان برای راه اندازی یک برنامه درسی مبتنی بر مشکل را زیر سوال می برند. از یک سو، ممکن است برخی معلمان استفاده از کتاب های درسی یا مواد ضد معلم (و کتاب های درسی الکترونیکی، مانند مورد اخیر در هنگ کنگ) را امن تر و صحیح تر بدانند. از سوی دیگر، آنها ممکن است نگران باشند که محتوا و تمرکز طرح های مسئله محور با آنچه که در طول آموزش معلم آموخته اند، کاملاً متفاوت است. در هنگ کنگ، طراحی برنامه درسی مدارس در مدارس متوسطه،





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مؤسسات آموزش معلمان، و دانشگاه ها عمدتاً مبتنی بر موضوع و کتاب درسی است و فضای بسیار کمی برای معلمان برای اصلاح و طراحی رویکرد مبتنی بر مشکل باقی می گذارد. (Marsh, ۱۹۹۷). همچنین خاطرنشان می کند که روش مسئله محور در بین معلمان محبوب نیست. او معایب این رویکرد برنامه درسی را به شرح زیر خلاصه می کند:

(الف) در مقایسه با سایر اشکال آموزشی، زمان کلاس و زمان خارج از مدرسه بسیار زیاد است.

(ب) بسیاری از یادگیرندگان رویکردهای یادگیری غیرفعال را ترجیح می دهند.

(پ) اگر موضوعات بحث برانگیز در جوامع محلی بررسی شود، می تواند به موقعیت های شرم آور منجر شود.

(ت) ارزیابی آن در مقایسه با آزمون های کلاسیک دشوار است.

علاوه بر این، برنامه درسی بازسازی اجتماعی (که هدف اصلی آن مشارکت دادن یادگیرندگان در تحلیل انتقادی مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه محلی، ملی و بین المللی است) به دنبال معلمانی با "آموزش عالی" است (Beane ۱۹۹۷). معلمان و توسعه دهندگان برنامه درسی باید معلمانی باشند که معتقدند برنامه درسی مدرسه باید به نابرابری و بی عدالتی اجتماعی رسیدگی کند. به عبارت دیگر، آنها خودشان باید مفهوم گرا باشند که هدفشان بازسازی جامعه است. این چشم انداز و مأموریت به نحوی ممکن است با موضع رسمی برخی جوامع سازگار نباشد. متخصصان آموزشی که طرفدار طراحی بازسازی گرا هستند باید سخت کوشش کنند تا این نوع طراحی برنامه درسی را در مدارس اجرا کنند.

با این وجود، باید مراقب بود زیرا چنین رویکردی چالش برانگیز است و بیان آن آسان نیست. هنسون نتیجه می گیرد که برنامه درسی مسئله محور می تواند یادگیرندگان را برای دستیابی به یادگیری عمیق با صرف زمان قابل توجهی روی موضوعات کمتر و با تشویق یادگیرندگان به بررسی هر موضوع از دیدگاه های متعدد تسهیل کند. از این رو، یادگیرندگان باید ذهن منضبط را پرورش دهند و معلمان باید بدانند چگونه ذهن های منضبط را پرورش دهند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱).

بسیاری از مردم حل مسئله را یک ضرورت برای رویارویی با چالش های آینده می دانند. از این رو، رویکرد یادگیری مسئله محور هنوز یک طرح برنامه درسی ارزشمند است. رویکرد یادگیری مسئله محور مهارت های یادگیری فعال و مادام العمر را پرورش می دهد. یادگیری خودراهبر را برای رویارویی با یادگیرندگان با مشکلات تقویت می کند و آنها را به سمت یادگیری عمیق تحریک می کند، این به معنای "تفصیل دانش در زمان یادگیری" است. یادگیری مشارکتی به آنها این امکان را می دهد که موقعیت های زندگی واقعی را مورد توجه قرار دهند، و برای یادگیرندگانی که برای درک مفاهیم انتزاعی تلاش می کنند جذاب باشد. شرکت در گروه ها، کمک به یادگیرندگانی که در طول کار انفرادی برتری ندارند، مطالب جدید را درک کنند. در مورد ایده ها و چالش های احتمالی به شیوه ای سازنده بحث کنید. یادگیرندگان به طور کامل درگیر جست و جو و جمع آوری داده ها برای یافتن راه حلی برای مشکلی هستند که به آنها اختصاص داده شده است.

به دلیل تعامل مداوم با یادگیرندگان، رابطه معلم و یادگیرنده بهبود می یابد. در کلاس درس مبتنی بر رویکرد مسئله محور معلم به شکل کلاسیک نیست، در اینجا او تسهیل کننده، راهنما و راهنما است. یادگیرندگان احساس راحتی می کنند که با معلم صحبت کنند.

تنظیمات کلاس درس که در آن رویکرد غالب مسئله محور است، کاملاً متفاوت است، آنها ایده های خود را به صورت گروهی ارائه می کنند و در صورت نیاز آن را بازبینی می کنند. این به آنها کمک می کند تا تعامل و ارتباط موفق ایجاد کنند. بیشتر اوقات یادگیرندگان با برنامه مسئله محور مشغول هستند تا بتوانند برای کسب نمرات خوب با مشکل مواجه شوند. برنامه درسی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئله محور نیاز به مشارکت و مشارکت کامل یادگیرندگان دارد، اما برای همه یادگیرندگان می تواند همیشه دشوار باشد. گاهی اوقات ممکن است احساس بی تفاوتی کنند. مشارکت ممکن است به تأخیر بیفتد زیرا برخی از یادگیرندگان برای درک مشکل نابالغ هستند. همچنین موارد دیگری به در این خصوص وجود دارد که عبارتند از:

الف) یادگیرندگان نمی توانند ایده مسئله پایان باز را درک کنند.

ب) یادگیرندگان ممکن است برای ایجاد و یافتن راه حل مسئله به دانش انتزاعی نیاز داشته باشند.

پ) برای نظارت بر فعالیت های رویکرد یادگیری مسئله محور، معلمان باید آموزش ببینند تا بتوانند بر روی مشکل تمرکز کنند. رویکرد مسئله محور به عنوان یک رویکرد سازنده در نظر گرفته می شود زیرا مولفه های اساسی بازخورد و تأمل در فرآیند یادگیری است. یادگیرندگان به عنوان یک عامل فعال در ساخت دانش اجتماعی کار می کنند.

## برنامه درسی و آموزش متمایز

توجه به تفاوت های فردی یادگیرندگان یک عنصر مهم از برنامه درسی یادگیرنده محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس های امروزی ضروری است. عناصر کلیدی در این خصوص بدین صورت است که: برنامه درسی متمایز باید تنوع بیشتر و انتخاب های بیشتری را برای یادگیرندگان فراهم کند تا متناسب با نیازها، علایق و توانایی های آنها باشد (پورتقی کوهبانه و همکاران، ۱۴۰۰).

تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف یادگیرندگان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی در دسترس است. بخش های بعدی بر معرفی اصل طراحی یک برنامه درسی متمایز و اتخاذ سبک های تدریس مختلف برای برآوردن نیازهای فردی در کلاس های با توانایی مختلط متمرکز است، جایی که برخی از یادگیرندگان با سرعت کمتری یاد می گیرند، برخی درخشان تر و برخی دیگر موفق تر هستند.

تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر یادگیرنده، سفارشی کردن آموزش برای کمک به یادگیرندگان برای یادگیری" اشاره دارد (فوغارتی و پیت ۲۰۰۵). آموزش متمایز شامل آموزش پاسخگو و فراهم کردن داربست برای یادگیری یادگیرندگان است و ممکن است شامل گروه بندی های مشارکتی و ارزیابی های جایگزین باشد (Drapeau ۲۰۰۴). وقتی معلمی آموزش را متمایز می کند، از این فرض عمل می کند که همه بچه ها با سرعت ها و روش های مختلف یاد می گیرند. زمینه اساسی برای آموزش متمایز، برنامه ریزی سیستماتیک یک برنامه درسی و سبک آموزشی است که با شناخت نیازهای یادگیری هر فرد و به حداکثر رساندن ظرفیت یادگیری او، نیازهای یادگیرندگان متنوع را برآورده کند.

## تنوع در کلاس درس

منابع تنوع یادگیرنده در کلاس های درس با توانایی مختلط شامل توانایی های شناختی، سبک های یادگیری، عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی، آمادگی، سرعت یادگیری، تاثیرات جنسیتی، تاثیرات فرهنگی یا قومیتی، چگونگی ارزش گذاری یادگیرندگان برای یادگیری و اعتماد آنها به یادگیری است (Heacox ۲۰۰۲). تاملینسون طیفی از یادگیرنده را مطرح می کند،



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گروه‌هایی، از جمله یادگیرندگان مبارز و پیشرفته، یادگیرندگانی با میراث فرهنگی متنوع، کودکانی با پیشینه‌های مختلف، و یادگیرندگانی با علایق، آمادگی و پروفایل‌های یادگیری متفاوت. برای پاسخگویی به چنین تنوعی، برخی از اصول و استراتژی‌ها در زیر پیشنهاد شده‌اند.

اصول و راهبردها

تمایز به معنای تأیید این است که یادگیرندگان نیازهای یادگیری، نقاط قوت، سبک‌ها، علایق و ترجیحات متفاوتی دارند (Drapeau ۲۰۰۴) روش‌هایی را که مدارس برنامه‌های درسی خود را متمایز می‌کنند، از جمله رویکردهای رایج زیر خلاصه کرده است:

الف) اصلاح محتوا، فرآیند تفکر، و شکل محصول.

ب) امکان حرکت مواد از طریق شتاب.

پ) امکان مطالعه عمیق از طریق غنی سازی محتوا.

ت) ارائه انواع مواد آموزشی.

ث) ارائه فعالیت‌های بدون پایان.

ج) ترکیب انتخاب معلم و یادگیرنده. و

چ) امکان گروه بندی انعطاف پذیر.

صرف نظر از روش‌هایی که مدارس یا معلمان استفاده می‌کنند، اصول اساسی وجود دارد:

الف) هنگام تمایز آموزش، حفظ تعهد به استانداردهای برنامه درسی و اهداف یادگیری همه یادگیرندگان بسیار مهم است.

ب) تمایز متضمن تنوع فزاینده در تدریس، یادگیری و ارزشیابی برای دستیابی به یادگیرندگان بیشتر و پاسخگویی به ترجیحات، سبک‌ها، علایق و نقاط قوت آنهاست.

پ) ارائه سطوح بالای چالش‌ها و مشارکت فعال در یادگیری دقیق، مرتبط و قابل توجه مهم است.

ت) اهمیت و ارزش کلیه آثار یادگیرنده‌ها باید تأیید شود.

ث) فرآیندهای منصفانه و منصفانه باید برای ارزیابی یادگیری یادگیرندگان و تخصیص نمرات ایجاد شود.

با در نظر گرفتن این اصول و استراتژی‌ها، معلمان می‌توانند شروع به طراحی یک برنامه درسی متمایز کنند. برای شروع، آنها باید سه عنصر برنامه درسی مربوط به مفهوم تمایز را در نظر داشته باشند: تغییر، چالش و انتخاب. تغییر به معنای اصلاح چیزی است که یادگیری را برای همه قابل دسترس تر کند. چالش یعنی به چالش کشیدن همه یادگیرندگان در سطح درک خودشان. انتخاب به معنای اجازه دادن به یادگیرندگان برای داشتن گزینه‌های واقعی در فرآیند تعلیم و تربیت است.

اول، برای پاسخ به تفاوت‌های فردی، معلمان باید تغییر چیزی اساسی را در نظر بگیرند. این ممکن است شامل محتوا، فرآیند یا محصول یادگیری کلاس درس باشد. محتوا بیانگر آن چیزی است که معلمان می‌خواهند یادگیرندگان یاد بگیرند، مانند ایده‌ها و اطلاعات ضروری. فرآیند شامل فعالیت‌های یادگیری است که یادگیرندگان از طریق آنها یاد می‌گیرند. محصول نتیجه است و نشان می‌دهد که یادگیرندگان واقعاً یاد گرفته‌اند. برای اطمینان از اینکه همه یادگیرندگان یاد می‌گیرند، معلمان ممکن است یک یا چند عنصر درسی را در هر نقطه از یک درس یا واحد، بر اساس ویژگی‌های متنوع کودکان درگیر، تطبیق داده و تغییر دهند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دومین عنصر درسی که باید تغییر کند، فرآیند تعلیم و تربیت است. معلمان باید درس‌ها را به روش‌هایی بی‌نظیر و جذاب برای یادگیرندگان بسازند، یادگیرندگانی که از نظر آمادگی، علاقه و مشخصات یادگیری متفاوت هستند. معلمان می‌توانند فرآیند را با انواع فعالیت‌ها تغییر دهند.

در نهایت، معلمان می‌توانند آموزش را با تغییر محصول متمایز کنند. این به معنای تغییر نقاط خروجی برای بیان یادگیری یادگیرندگان است. یادگیرندگان در هنگام یادگیری تمایلات متفاوتی دارند و همچنین ممکن است ترجیحات متفاوتی برای بیان آن نشان دهند. معلمان باید به یادگیرندگان اجازه دهند تا در صورت امکان، خودشان تعیین کنند که چگونه می‌توانند آنچه را که در مورد موضوعات خاص می‌دانند به بهترین شکل نشان دهند.

## تسلط یادگیری

یک جایگزین مهم برای پاسخگویی به تفاوت‌های فردی در کلاس درس، مدل یادگیری تسلط است. این مدل «تمام یادگیرندگان را فرا می‌خواند تا بر مجموعه‌ای از اهداف مشترک تسلط پیدا کنند، اما تفاوت‌های فردی در زمان یادگیری را امکان‌پذیر می‌کند» (Brophy, ۲۰۰۴). به طور کلاسیک، مردم توانایی را چیزی ثابت و تا حد زیادی از پیش تعیین شده می‌دانند. از این رو، آنها معتقدند که برخی از کودکان نسبت به سایرین توانایی بیشتری در یادگیری دارند. مدل ارائه شده توسط کارول استدلال می‌کند که تفاوت عمده بین یادگیرندگان عامل "زمان" است. در حالی که برخی از یادگیرندگان می‌توانند سریع‌تر به اهداف یادگیری تسلط پیدا کنند، برخی این کار را کندتر انجام می‌دهند (پورتقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).

با توجه به زمان بیشتر، یادگیرندگان کند در نهایت به تمام اهداف یادگیری تعیین شده در یک برنامه درسی تسلط خواهند داشت. کارول پیشنهاد می‌کند که درجه یادگیری مستقیماً با نسبت زمانی که واقعاً توسط یادگیرنده صرف یک کار می‌شود، تقسیم بر زمان مورد نیاز یادگیرنده برای تسلط بر خواسته‌های آن کار، متناسب باشد. اصول یادگیری تسلط بخش عمده‌ای از منطق رویکردهای برنامه درسی فعلی، مانند آموزش مبتنی بر نتیجه را تشکیل می‌دهد.

## پیشنهادهای کاربردی

۱. استفاده از روش‌های رویکرد یادگیری مسئله‌محور: در آموزش مسئله‌محور، معلمان می‌توانند از روش‌هایی مانند مطالعه موارد واقعی، حل مسئله‌های عملی و پروژه‌های گروهی استفاده کنند تا توانایی‌های روابط چندگانه یادگیرندگان را تقویت کنند.

۲. تشویق به همکاری و تعامل: معلمان می‌توانند فرصت‌هایی را در کلاس درس ایجاد کنند تا یادگیرندگان با یکدیگر همکاری کنند و در تعامل با یکدیگر قرار بگیرند. به آن‌ها اجازه دهید در گروه‌ها کار کنند، به اشتراک بگذارند و با هم بحث کنند.

۳. استفاده از فعالیت‌های گروهی: انجام فعالیت‌های گروهی مبتنی بر مسئله، مانند حل مسئله‌های گروهی، بازی‌های تعاملی و پروژه‌های تیمی، به یادگیرندگان کمک می‌کند تا مهارت‌های روابط چندگانه خود را تقویت کنند و به طور همزمان با یادگیری مفاهیم درسی، با همکاری و تعامل به نتایج بهتری برسند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴. توسعه مهارت‌های ارتباطی: درس‌هایی را که به توسعه مهارت‌های ارتباطی اختصاص داده شده است، به برنامه درسی اضافه کنید. این درس‌ها می‌توانند موضوعاتی مانند گفتگو، گوش دادن فعال و حل مسئله‌های ارتباطی را شامل شوند.
  ۵. ارزیابی چندگانه: برای ارزیابی توسعه روابط چندگانه یادگیرندگان، از روش‌های متنوعی مانند نظرسنجی همکاری، مشاهده گروهی و پروژه‌های جمعی استفاده کنید. این روش‌ها به یادگیرندگان این امکان را می‌دهند تا توانایی همکاری و تعامل خود را بهبود ببخشند.
  ۶. راهنمایی و توجه به یادگیرندگان: معلمان می‌توانند با ارائه راهنمایی‌های لازم و توجه به نیازها و استعداد‌های یادگیرندگان، به توسعه روابط چندگانه آن‌ها کمک کنند. به یادگیرندگان فرصت دهید تا در محیطی پشتیبان‌کننده از خود بیانگر شوند و از تجربیات همدیگر بهره‌برداری کنند (پورتقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).
  ۷. ایجاد محیط آموزشی دموکراتیک: ایجاد محیطی دموکراتیک در کلاس درس، که هر یادگیرنده احساس می‌کند نظر و صدایش شنیده می‌شود، می‌تواند به توسعه روابط چندگانه کمک کند. به یادگیرندگان اجازه دهید در امور کلاسی شرکت کنند، تصمیمات گروهی بگیرند و به اشتراک بگذارند.
  ۸. استفاده از انواع رسانه‌ها: استفاده از انواع رسانه‌ها مانند فیلم‌ها، تصاویر و نمودارها در فرایند رویکرد یادگیری مسئله‌محور، می‌تواند به یادگیرندگان کمک کند تا توانایی‌های روابط چندگانه خود را تقویت کنند و از طریق بصری و شنیداری بهتر یادگیرند.
  ۹. همکاری با خانواده‌ها: برقراری ارتباط و همکاری مستمر با خانواده‌های یادگیرندگان می‌تواند به توسعه روابط چندگانه کمک کند. برگزاری جلسات والدین، ارسال گزارش‌های پیشرفت یادگیرندگان و همکاری در حل مشکلات و نیازهای آنان می‌تواند روابط بین خانواده و مدرسه را تقویت کند.
  ۱۰. تشویق به تعامل خلاق: تشویق یادگیرندگان به تعامل خلاق و پیشنهاد ایده‌های نوآورانه در فرایند رویکرد یادگیری مسئله‌محور، به توسعه روابط چندگانه کمک می‌کند. به آن‌ها اجازه دهید ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند و راهکارهای خلاقانه برای حل مسئله ارائه دهند.
  ۱۱. ارائه بازخورد سازنده: به یادگیرندگان بازخورد سازنده درباره روابط چندگانه‌شان بدهید. تشویق آن‌ها به بهبود و تقویت مهارت‌های ارتباطی، همکاری و تعامل با همسالان و معلمان، اهمیت ارتباطات را در زندگی روزمره آن‌ها تأکید می‌کند.
  ۱۲. آموزش مهارت‌های اجتماعی: برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، مانند مهارت‌های گفتگو، گوش دادن فعال، همکاری، قضاوت مثبت و حل تعارض، به توسعه روابط چندگانه در یادگیرندگان کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).
- با اعمال این پیشنهادات کاربردی، می‌توان بهبود روابط چندگانه و توسعه مهارت‌های روابطی در یادگیرندگان در رویکرد یادگیری مسئله‌محور در کلاس درس در دوره تحصیلی را تسهیل کرد.

## بحث و نتیجه گیری

رویکرد یادگیری مسئله‌محور، روشی اثربخش برای ارتقای تعاملات اجتماعی یادگیرندگان است. این روش، با قرار دادن یادگیرندگان در مرکز فرایند یادگیری و تشویق آن‌ها به حل مسائل واقعی، به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی، حل



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئله و تفکر انتقادی خود را ارتقا دهند. بنابراین، به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی پیشنهاد می‌شود که از رویکرد یادگیری مسئله‌محور به عنوان روشی اثربخش برای ارتقای تعاملات اجتماعی یادگیرندگان استفاده کنند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱). نقش همکاری و تعامل در رویکرد یادگیری مسئله‌محور در یادگیرندگان بسیار حائز اهمیت است. این روش آموزشی با ایجاد فضایی برای همکاری و تعامل بین یادگیرندگان، آنها را به عنوان یک گروه در حل مسائل و پروژه‌ها مشغول می‌کند. این تعاملات گروهی، به یادگیرندگان امکان می‌دهد تا از تجربه و دیدگاه همدیگر بهره ببرند و نتایج بهتری در یادگیری خود بدست آورند. یکی از مزایای اصلی همکاری و تعامل در رویکرد یادگیری مسئله‌محور، افزایش مشارکت و مشارکت فعال یادگیرندگان درس است. آنها به طور فعال‌تر در فرایند یادگیری شرکت می‌کنند و با استفاده از تعامل و همکاری با دیگران، به راه‌حل‌ها و نتایج بهتری می‌رسند. همچنین، تعامل و همکاری باعث تقویت مهارت‌های ارتباطی یادگیرندگان می‌شود. آنها در این روند نیاز به گوش دادن به دیگران، بیان دیدگاه‌های خود و رسیدن به توافق با همکلاسی‌هایشان را پیدا می‌کنند (پورتقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).

با توجه به جنبه‌های تفکر انتقادی و حل مسئله در رویکرد یادگیری مسئله‌محور، همکاری و تعامل نقش بسیار مهمی دارد. یادگیرندگان با مواجهه با مسائل واقعی و چالش‌برانگیز، مجبور به تفکر انتقادی و حل مسئله می‌شوند. آنها باید استدلال کنند، منطق را به کار ببرند و راه‌حل‌های خلاقانه برای حل مسئله پیدا کنند. همکاری و تعامل بین یادگیرندگان در رویکرد یادگیری مسئله‌محور نقش کلیدی در بهبود فرایند تعلیم و تربیت دارد. این روش آموزشی با ایجاد فضای همکاری و تعامل، مشارکت فعال یادگیرندگان را ارتقا می‌دهد و مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی آنها را تقویت می‌کند. با استفاده از تعامل و همکاری، یادگیرندگان از تجربه و دیدگاه همدیگر بهره می‌برند.

## منابع

۱. باباخانی، زینب و سلیمانی، رویا و شرفی، مریم، ۱۴۰۱، الگوهای آموزشی مبتنی بر وسایل آموزشی کارآمد در تدریس و نقش آن‌ها بر افزایش توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان، پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۲. پورتقی کوهبنه، بهاره و تقی‌پور، آمنه و کشاورز، الهه، ۱۴۰۰، یادگیری مسئله‌محور علوم پایه و آموزش مجازی در وضعیت کرونایی، نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۳. سمیع‌زاده مشهدی، سمیرا، ۱۴۰۲، بررسی روش‌های تدریس مسئله‌محور و روش تدریس بحث گروهی و تاثیر این روش‌ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نوزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم اجتماعی و تربیتی، بابل.
۴. غلامی، زهرا، ۱۴۰۲، مروری جامع بر کاربردی تدریس مبتنی بر مسئله در آموزش ابتدایی، یازدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
۵. Barel, J. (۱۹۹۸). PBL: An Inquiry Approach. Arlington Heights, IL. SkyLight Training and Publishing.
۶. Brophy, J. (۲۰۰۶). Observational Research on Generic Aspects of Classroom Teaching.



۷. Beane, J. A. (۱۹۹۷). Curriculum integration: Designing the core of democratic education. Teachers College Press.
۸. Delisle, R. (۱۹۹۷). How to use problem-based learning in the classroom. Ascd.
۹. Drapeau, P. (۲۰۰۴). Differentiated instruction: Making it work: A practical guide to planning, managing, and implementing differentiated instruction to meet the needs of all learners. Scholastic.
۱۰. Fogarty, R. J., & Pete, B. M. (۲۰۰۷). How to differentiate learning: Curriculum, instruction, assessment. Corwin Press.
۱۱. Heacox, D. (۲۰۰۲). Differentiating instruction in the regular classroom: How to reach and teach all learners, grades ۳-۱۲. Minneapolis, MN: Free Spirit. McHugh, MW (۲۰۰۷). Differentiating Instruction in the Regular Classroom: How to Reach and Teach. Journal for the Education of the Gifted.
۱۲. Larsen-Freeman, D., & Anderson, M. (۲۰۱۳). Techniques and principles in language teaching ۳rd edition-Oxford handbooks for language teachers. Oxford university press.
۱۳. Lesch, L. (۲۰۰۷). How to Prepare Students for the Information Age and Global Marketplace: Creative Learning in Action. Rowman & Littlefield Education.
۱۴. Marsh, C. J. (۱۹۹۷). Planning, Management and Ideology, Key Concepts for Understanding Curriculum ۲, London, and Washington D.
۱۵. Torp, L., & Sage, S. (۱۹۹۸). Problems as possibilities: Problem-based learning for K-۱۲ education. Ascd.